شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۴۵۰۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

روایت «فرهیختگان» از ساختمان‌هایی که پس از جنگ دوباره جای زندگی می‌شوند

بازسازی در بلوار کشاورز

یاسمین بخشی
خبرنگار

بلوار کشاورز، ابتدای حجت‌دوست؛ خیابانی نه چندان عریض، اما طویل! از همان لحظه ورود، انبوه میلگردهای روی هم ریخته و شلوغی رفت‌وآمد کارگران، گویی فریاد می‌زد که اینجا، دل خانه‌ها، مورد اصابت موشک قرار گرفته است. خیابان، شاهدی بر رنج و پایداری. در دو سمت، ساختمان‌هایی سر بر آسمان کشیده‌اند که هر یک، داستانی از تخریب و بازسازی را روایت می‌کنند. برخی کاملاً ویران و آماده تولدی دوباره و برخی دیگر، در میانه راه بازسازی، گویی از اعماق خاکستر دوباره سر برمی‌آورند، با هر آجر تکه‌ای از امید را بازسازی می‌کنند و با هر صدای چکش، نبض زندگی را دوباره می‌نوازند.

باب اسفنجی، لنگه دمپایی قرمز و ردّپای کودکی از دست رفته

در حیاط یکی از همین خانه‌های آسیب‌دیده، چیزی توجهم را جلب می‌کند؛ آن هم به طرز عجیبی. یک تکه کاغذ زرد رنگ با طرح باب اسفنجی، نمادی از شادی و بی‌خبری کودکی، در میان انبوه آوار و غبار. ناگهان ذهن پر می‌کشد به سوی کودکانی که روزی در این ساختمان با همین کاغذ کادوهای باب اسفنجی‌ها رؤیا می‌بافتند، می‌خندیدند و بی‌خبر از هجوم بی‌رحم جنگ، به آینده‌ای روشن فکر می‌کردند. حال، آن رؤیاها در هم شکسته و خاطرات شیرین زیر آوار مدفون شده‌اند. درخت گوشه حیاط که زمانی سایه‌سار بازی‌های کودکانه بود زیر آوارهای سنگین ساختمان کمرش تا زمین خم شده و برگ‌هایش شاید زودتر از موعد یکدست زرد شده‌اند، گویی از اندوه و یأس، پاییز را به آغوش کشیده‌اند. این درخت خود روایتی خاموش از رنج و مصیبت است. برای رسیدن به طبقه همکف دیگر پلکانی نیست؛ تنها دهانه باز آسانسور که کابینش را به یغما برده‌اند دهان گشوده است، مانند زخمی عمیق بر پیکر ساختمان.

به سمت راه پله‌ها می‌روم یا آنچه از آن‌ها باقی مانده است. تاریکی فضایی سنگین و غم‌انگیز ایجاد کرده است، گویی که دیوارها نیز از شدت غم نفس نمی‌کشند. هر طبقه دو واحد. درِ واحدها باز است و انگار هیچ حریمی باقی نمانده، گویی تمام خصوصی‌ترین لحظات زندگی بی‌رحمانه به نمایش گذاشته شده‌اند. وارد یکی از آن‌ها می‌شوم. همه‌چیز در هم شکسته، آوار شده و زیر تلی از خاک و گچ مدفون گشته است. تقریباً هیچ چیز قابل استفاده نیست، حتی خاطرات نیز رنگ باخته‌اند. خانه دو اتاق خواب دارد. کتابخانه شکسته و کتاب‌ها خاک گرفته روی زمین فرش شده‌اند، هرکدام داستانی ناتمام را فریاد می‌زنند. بسته‌ای از پوشک بچه با نوشته «۵ تا ۷ کیلو» در گوشه‌ای افتاده، نمادی از یک زندگی کوچک و بی‌گناه که شاید حالا آواره شده است و یک لنگه دمپایی قرمز رنگ درست وسط اتاق، بار دیگر ذهن را به سوی رنج کودکان معصوم هدایت می‌کند. این دمپایی کوچک نمادی بزرگ از یک فاجعه انسانی است. چطور می‌توان این صحنه‌ها را دید و اندوهی عمیق را حس نکرد؟ چگونه می‌توان بی‌تفاوت بود به این همه ویرانی و درد؟

طبقه دوم؛ خاطرات پزشکی و زخم‌هایی بر تابلو فرش زندگی

در طبقه دوم حجم آوار مقابل در ورودی آن‌قدر زیاد است که به سختی راهی برای ورود پیدا می‌کنم. گویی ساختمان نمی‌خواهد مهمان ناخوانده‌ای به خود راه دهد و می‌خواهد غم‌هایش را پنهان کند. از تمامی وسایل آشپزخانه تنها یخچالی بدون در باقی مانده که به سختی قابل شناسایی است، همچون اسکلتی بی‌جان از گذشته‌ای پر رونق. زیر تلی‌های رنگی جزوه‌های قطوری با عناوین «قلب۲»، «پاتولوژی عمومی» و «ژنتیک» به چشم می‌خورند. گویی زندگی در اینجا پیش از این انفجار جریان دیگری داشته است؛ جریان علم، دانش و تلاش برای شفای انسان‌ها. دیدن یک تابلو فرش پاره شده با قاب چوبی شکسته که روی یک تختخواب دونفره با تشکی از وسط دونیم شده افتاده، رنج دیگری است که ذهن را به ترس‌های ایام جنگ هدایت می‌کند.

این تابلو فرش شاید روزی زینت‌بخش خانه‌ای گرم بوده و اکنون، خود به نمادی از ویرانی و بی‌رحمی جنگ تبدیل شده است. هر نخ پاره شده‌اش گویی فریادی از دردی پنهان است.

طبقه سوم؛ لنگه چکمه‌ها، خودکارهای رنگی و نوید زندگی

در طبقه سوم، در ورودی واحد از چهارچوبش خارج شده و تنها یک لنگه چکمه زنانه و یک کتونی دخترانه بازمانده‌های جاکفشی زیر آوارند. این دو لنگه کفش خود داستانی از غیبت و ناپدید شدن را روایت می‌کنند. خرده‌های شیشه زیر پایم با هر قدم، صدای «خرت خرت» می‌دهند و سکوت و هم‌انگیز فضا را می‌شکنند، گویی ساختمان نیز از درد می‌نالد. به سمت اتاق خواب می‌روم. تخت دوطبقه کرم-آبی چسبیده به دیوار به طرز معجزه‌آسایی سالم مانده است، گویی سرنوشت برای آن داستان دیگری نوشته است. روی میز تحریر یک جامدادی پر از خودکارهای رنگی گواهی بر حضور دو نوجوان، شاید هم دوقلو در این اتاق است؛ نوجوانانی که شاید آرزوهای بزرگ و رنگارنگی داشتند. کمدشان سالم اما خالی از لباس و وسیله. شاید این خود نشانی از زنده ماندنشان باشد، کورسویی از امید در دل این ویرانی که حداقل آن‌ها جان سالم به در برده‌اند. اوضاع زمانی آشفته‌تر می‌شود که برگه‌های سبزرنگ پر از کلمات انگلیسی به همراه ترجمه‌هایشان، زیر غبارها ردی از جریان زندگی و تلاش برای آینده را به نمایش می‌گذارند. این‌ها تکه‌هایی از گذشته‌ای بودند که حالا در کنار ویرانی گواهی بر حیات و تلاش برای آینده‌اند، نشانه‌ای از اینکه حتی در دل فاجعه نیز امید به یادگیری و پیشرفت وجود دارد. ساختمان پنج طبقه است. دیگر تاب بالا رفتن نیست، راستش دل و دماغش را هم ندارم. انرژی برای دیدن این همه رنج و ویرانی، تحلیل رفته است. از ساختمان خارج می‌شوم و به سمت ساختمان‌های آن سوی خیابان می‌روم که تقریباً نوسازی شده‌اند. گویی اینجا مرز بین گذشته و آینده است، مرز بین ویرانی و بازسازی، مرز بین یأس و امید.

نگاه مسئولان؛ از آسیب‌ها تا بازسازی گسترده

در همین راستا مرتضی روحانی، شهردار منطقه ۶ تهران در حاشیه بازدید خبرنگاران از ساختمان‌های آسیب‌دیده جنگ ۱۲ روزه در منطقه ۶ توضیحاتی ارائه می‌دهد. به گفته وی در این نقطه شهید نداشتیم و فقط یکی از شهروندان که پیک موتوری و در حال عبور از خیابان بود از ناحیه مچ پا مجروح شد. اما در این محدوده به ۱۰۱ واحد در ۴ پلاک بیشترین آسیب وارد شده است. این آمار، گواهی بر شدت و گستردگی آسیب‌ها در این منطقه است.

روحانی با بیان اینکه بعد از این اتفاق به سرعت کار بازسازی آغاز شد، ادامه می‌دهد: «درمجموع در منطقه ۶ حدود ۸۰۶ واحد و ۱۱۷ پلاک آسیب دیدند که ۴۷۰ واحد در حوزه تخریب و نوسازی قرار دارند. در این محدوده دانشجوهای خارجی دانشگاه شهید بهشتی نیز مستقر بودند که خوشبختانه در زمان اصابت در خوابگاه حضور نداشتند و این خود یک معجزه بود.»

شهردار منطقه ۶ با اشاره به اینکه کار تخریب برای نوسازی برخی پلاک‌ها شروع شده، اضافه می‌کند: «پلاکی در خیابان حجت‌دوست حدود ۱۵ واحد دارد که نیاز به تخریب و نوسازی دارد و تعداد واحدها بر اساس خواسته مالکان همین ۱۵ واحد باقی خواهد ماند و دو طبقه تشویقی و تراکم به جای دیگری منتقل خواهد شد. طی امشب و فرداشب تخریب دو پلاک این خیابان شروع می‌شود. همچنین پلاک دیگری داریم که حدود ۲۹ واحد دارد که فقط کار نمای آن باقی مانده و بازسازی مشاعات انجام شده و در یک هفته آینده سکنه به پلاک خودشان منتقل می‌شوند.» این سرعت عمل در تصمیم‌گیری و اجرا نشان از عزم جدی شهرداری برای بازگرداندن زندگی عادی به منطقه دارد.

آن سوی خیابان؛ رستاخیز از خاکستر آغاز زندگی دوباره

از همان بدو ورود به ساختمان نوسازی شده، فضا پویا و فعال است، گویی نفس تازه‌ای به کالبد شهر دمیده شده است. گچ‌کاری سقف لابی رو به اتمام، برقکار در حال بررسی و راه‌اندازی سیم‌کشی‌ها و ساکنان در حال تردد. انگار اینجا، زندگی از نو شروع شده با شور و هیجانی مضاعف و با هر قدم نوید روزهای بهتر را می‌دهد. خانمی از ترک موتور همسرش پیاده می‌شود و به سمت آسانسور می‌رود. مرد هم درحالی‌که موتور را در پارکینگ پارک می‌کند به او می‌رسد. نزدیکشان می‌شوم و می‌خواهم با آن‌ها گفت‌وگو کنم. تمایلی به صحبت طولانی ندارند و به چند جمله کوتاه بسنده می‌کنند: «اگرچه روند بازسازی کند بود، اما خانه‌هایمان را ساختند و می‌توانیم در آن زندگی کنیم. برای تهیه لوازم آسیب‌دیده هم بن‌کارت شهروند گرفتیم.» این جملات را می‌گویند و خداحافظی می‌کنند. در همین جملات کوتاه، هم رنج گذشته و هم امید به آینده موج می‌زند، داستانی از صبر و مقاومت.

شهرداری در کنار مردم، وعده‌هایی که عملی شدند

مدیر ساختمان در دفترش نشسته است. برای مصاحبه به سراغش می‌روم. وقتی خودم را معرفی می‌کنم و متوجه می‌شود برای گزارش آمده‌ام اولین کاری که می‌کند این است که گوشی‌اش را به سمتم می‌گیرد و می‌خواهد فیلمی را که از تخریب ساختمان بعد از انفجار گرفته است، ببینم تا در جریان شدت تخریب و روند بازسازی قرار بگیرم. تصاویر تکان‌دهنده است؛ حجم ویرانی آن‌قدر وسیع است که باور بازسازی آن در این مدت کوتاه، سخت می‌شود.

آقای پناهی یکی از ساکنان ساختمان در تاریخ ۲۵ تیر، زمانی که قرار بود منطقه ۶ مورد حمله قرار گیرد منزلش را خالی نکرده و همراه خانواده در ایام جنگ در تهران بوده است. سرش را تکان می‌دهد و با اندوهی در چشمانش می‌گوید: «فکر می‌کردیم جنگ برای همسایه است و به ما آسیبی نخواهد رسید. اما ساختمان ما هم تحت تأثیر موج انفجار خسارت دید. هنوز رد ترکش‌ها روی در و دیوارهاست، یادآور آن روزهای تلخ.» پناهی با تأکید بر اینکه از همان ابتدای اصابت موشک به ساختمان‌های مجاور، نیروهای شهرداری برای ثبت و بررسی خسارات ورود کردند، ادامه می‌دهد: «ساختمان ما در اثر موج انفجار دچار آسیب و تخریب شد و با حمایت‌های شهرداری اکنون ساختمان بازسازی کامل شده است. بناست اگر واحدی هم در خصوص خرید لوازمی همچون پرده خودش هزینه کرده است، پس از بررسی توسط شهرداری بازگردانده شود.» این سخنان نشان از مسئولیت‌پذیری شهرداری در قبال شهروندان و جبران خسارات است، گویی مرهمی بر زخم‌های کهنه.

خانم مولایی دیگر ساکنی است که برای مصاحبه در دفتر ساختمان حاضر می‌شود. او می‌گوید در ایام جنگ به همراه مادرش که آلزایمر دارد در تهران بوده است. روز اصابت موشک به ساختمان‌های مجاور در اثر افتادن چهارچوب پنجره روی او، دچار صدمه شده است؛ اما توانسته خودش و مادرش را از ساختمان خارج کند. در خصوص خساراتی که به منزلشان وارد شده نیز عنوان می‌کند: «تمامی خسارات از ظروف گرفته تا لوازم آشپزخانه توسط کادر شهرداری تهران بررسی شد و در ازای دریافت بن‌کارت خرید از شهروند تأمین شد.» پناهی هم از کندی روند بازسازی و بررسی گله دارد، اما در نهایت تأکید می‌کند: «در ابتدا باور نمی‌کردیم شهرداری تهران این همه هزینه را تقبل کند؛ اما تاکنون تمامی بازسازی‌ها را انجام داده است و ما راضی هستیم.» این رضایت، خود گواه بر تلاش‌های صورت گرفته برای بازگرداندن آرامش و امید به این منطقه است.

روحانی با اشاره به دسته‌بندی‌های ساختمان‌های آسیب‌دیده بر اساس میزان خسارات وارده، توضیح داد: «در بحث آسیب‌های جزیی و خسارت به شیشه‌ها حدود ۲۵۴ واحد در منطقه وجود داشت که کار آن‌ها به صورت صددرصد انجام شد. همچنین ۴۷۰ واحد ما نیاز به بازسازی دارد و ۸۴ واحد در دسته تخریب و نوسازی قرار می‌گیرند. در منطقه ۶ هیچ واحدی در حوزه مقاوم‌سازی قرار ندارد.» وی عنوان کرد: «در بحث رسیدگی به واحدهای آسیب‌دیده دولت و شهرداری در کنار یکدیگر قرار دارند و بحث آسیب به خودروها را دولت متقبل می‌شود و در موضوع لوازم خانگی قرار شد که غیر از شهرداری دولت نیز کمک‌هایی داشته باشد.» این همکاری و همدلی بین نهادهای دولتی، نویدبخش آینده‌ای روشن‌تر برای آسیب‌دیدگان است.

پایان یک فصل، آغاز زندگی دوباره

اگرچه در برخی ساختمان‌ها هنوز هیچ چیز جای خودش نیست و رد زخم‌ها عمیقاً بر پیکر دیوارها باقی مانده است، گویی زمان در آنجا متوقف شده و درد همچنان تازه است؛ اما در برخی دیگر همه‌چیز سر جای خودش قرار گرفته و آماده است برای زندگی، برای نفس کشیدن و برای ثبت خاطرات جدید. بلوار کشاورز اکنون دیگر تنها نمادی از ویرانی نیست، بلکه تابلویی است از مقاومت، امید و رستاخیز؛ تابلویی که با رنگ‌های درد و رنج آغاز شد؛ اما با قلم‌های همت و تلاش، به زیبایی زندگی دوباره آراسته شد. خانه‌ها بار دیگر آماده‌اند تا آغوش خود را به روی ساکنانشان بگشایند و داستان‌های جدیدی را در دل خود جای دهند. زندگی با تمام قدرت و زیبایی‌اش اینجا دوباره جریان یافته است، قوی‌تر از همیشه تا نشان دهد هیچ نیرویی نمی‌تواند امید را از دل مردمان بگیرد. این بلوار نه تنها شاهد جنگ که شاهد حماسه بازگشت به زندگی است.

نوبت اول
آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده واگذاری غرفه تریا دونات با قابلیت بهره‌برداری در زمینه انواع نوشیدنی‌های سردوگرم و محصولات دونات در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (نوبت اول)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در نظر دارد غرفه تریا دونات با قابلیت بهره‌برداری در زمینه انواع نوشیدنی‌های سردوگرم و محصولات دونات را از طریق برگزاری مزایده عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود در صورت تمایل به شرکت در این مزایده و دریافت اسناد، حداکثر ظرف مدت ده روز کاری پس از تاریخ انتشار این آگهی به سایت اینترنتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد به آدرس www.iaun.iau.ir (قسمت مزایده/ مناقصه) مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

شرایط مزایده:
■ هر متقاضی واجد شرایط اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند به اختیار خود در مزایده فوق شرکت و پیشنهاد قیمت ارائه دهند.
■ مبلغ واریزی بابت خرید اسناد مزایده مذکور ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ مبلغ ضمانت شرکت در مزایده ۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
■ دانشگاه در رد یا قبول هرکدام از پیشنهادات مختار است.

آدرس دبیرخانه کمیسیون معاملات: نجف‌آباد، بلوار دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، ساختمان کتابخانه مرکزی
تلفن دبیرخانه کمیسیون: ۴۲۲۹۲۰۲۰-۰۳۱ Email:monaghese@iaun.ac.ir

نوبت اول
آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده واگذاری بوفه اغذیه‌فروشی جنب دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (نوبت اول)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در نظر دارد بوفه اغذیه‌فروشی جنب دانشکده هنر، معماری و شهرسازی را از طریق برگزاری مزایده عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود در صورت تمایل به شرکت در این مزایده و دریافت اسناد، حداکثر ظرف مدت ده روز کاری پس از تاریخ انتشار این آگهی به سایت اینترنتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد به آدرس www.iaun.iau.ir (قسمت مزایده/ مناقصه) مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

شرایط مزایده:
■ هر متقاضی واجد شرایط اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند به اختیار خود در مزایده فوق شرکت و پیشنهاد قیمت ارائه دهند.
■ مبلغ واریزی بابت خرید اسناد مزایده مذکور ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ مبلغ ضمانت شرکت در مزایده ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ هزینه چاپ آگهی به عهده برنده می‌باشد.
■ دانشگاه در رد یا قبول هر کدام از پیشنهادات مختار است.

آدرس دبیرخانه کمیسیون معاملات: نجف‌آباد - بلوار دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد - ساختمان کتابخانه مرکزی
تلفن دبیرخانه کمیسیون: ۴۲۲۹۲۰۲۰-۰۳۱
Email:monaghese@iaun.ac.ir

نوبت اول
آگهی مزایده عمومی

آگهی مناقصه عملیات نگهداری، سرویس و تعمیر آسانسورها و بالابرهای مستقر در ساختمان‌های متعلق به دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (نوبت اول)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در نظر دارد عملیات نگهداری، سرویس و تعمیر آسانسورها و بالابرهای مستقر در ساختمان‌های متعلق به دانشگاه را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود در صورت تمایل به شرکت در این مناقصه و دریافت اسناد، حداکثر ظرف مدت ده روز کاری پس از تاریخ انتشار این آگهی به سایت اینترنتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد به آدرس www.iaun.iau.ir (قسمت مزایده/ مناقصه) مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

شرایط مناقصه:
■ هر متقاضی واجد شرایط اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند به اختیار خود در مناقصه فوق شرکت و پیشنهاد قیمت ارائه دهد.
■ مبلغ واریزی بابت خرید اسناد مناقصه مذکور ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ هزینه چاپ آگهی به عهده برنده می‌باشد.
■ دانشگاه در رد یا قبول هر کدام از پیشنهادات مختار است.

آدرس دبیرخانه کمیسیون معاملات: نجف‌آباد بلوار دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، ساختمان کتابخانه مرکزی
تلفن دبیرخانه کمیسیون: ۴۲۲۹۲۰۲۰-۰۳۱
Email:monaghese@iaun.ac.ir

نوبت اول
آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده واگذاری بوفه و اغذیه‌فروشی جنب دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (نوبت اول)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در نظر دارد بوفه و اغذیه‌فروشی جنب دانشکده حقوق را از طریق برگزاری مزایده عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود در صورت تمایل به شرکت در این مزایده و دریافت اسناد، حداکثر ظرف مدت ده روز کاری پس از تاریخ انتشار این آگهی به سایت اینترنتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد به آدرس www.iaun.iau.ir (قسمت مزایده/ مناقصه) مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

شرایط مزایده:
■ هر متقاضی واجد شرایط اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند به اختیار خود در مزایده فوق شرکت و پیشنهاد قیمت ارائه دهند.
■ مبلغ واریزی بابت خرید اسناد مزایده مذکور ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ مبلغ ضمانت شرکت در مزایده ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
■ هزینه چاپ آگهی به عهده برنده می‌باشد.
■ دانشگاه در رد یا قبول هر کدام از پیشنهادات مختار است.

آدرس دبیرخانه کمیسیون معاملات: نجف‌آباد - بلوار دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد - ساختمان کتابخانه مرکزی
تلفن دبیرخانه کمیسیون: ۴۲۲۹۲۰۲۰-۰۳۱
Email:monaghese@iaun.ac.ir

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

فرهیختگان
صدای نخبگان نگاه جوانان
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN